

بررسی سیاست‌های سرقت علمی-ادبی در تارنماهای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی
ایران

Exploring Plagiarism Policy Statements on Iranian University and Higher
Education Institute Websites

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۲؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۶/۷/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

M. Nushi (Ph.D)

موسی نوشی^۱

Abstract: Plagiarism has been receiving an unprecedented attention in recent years, especially among the academia. Despite the efforts of universities and university professors to find ways to prevent students from the academic misconduct, the problem persists. In the opinion of many researchers this issue has even increased. The main purpose of this article is to help Iranian universities combat the epidemic of plagiarism. In other words, it strives to heighten the universities' awareness of the importance of having a clear policy on plagiarism- especially on their websites. To achieve this goal and introduce practical and research-based solutions, the researcher examined website contents of 133 universities and educational institutes accredited by Iran's Ministry of Science, Research and Technology to find out if they contain any policy statements on plagiarism. The results indicated an absence of content relevant to the concept from the majority of the websites, suggesting that in most Iranian universities students may be deprived of an adequate education on avoiding plagiarism and on the significance of academic honesty for that matter. This study argues that to effectively tackle the issue of plagiarism, it is absolutely necessary that the educational institutions not take students' familiarity with the concept and of ways to avoid it for granted. They need to realize that plagiarism is a critical issue which requires major attention as well as a coherent and comprehensive educative approach to deal with.

چکیده: در سال‌های اخیر سرقت علمی-ادبی، به‌ویژه در جوامع دانشگاهی، اهمیت چشم‌گیری یافته است. به‌رغم تلاش دانشگاه‌ها و استادان در یافتن راهکارهایی برای بازداشتن دانشجویان از این اقدام؛ این مشکل همچنان به قوت خود باقی است و به عقیده‌ی بسیاری از پژوهشگران حتی بیشتر نیز شده است. هدف اصلی این مقاله کمک به دانشگاه‌های ایران برای مقابله با پدیده‌ی دامنه‌گستر سرقت علمی-ادبی است. به‌عبارت دیگر، تلاش خواهد شد تا دانشگاه‌ها را از ضرورت دست یافتن به سیاستی روشن درباره‌ی سرقت علمی-ادبی، به‌ویژه در تارنماهای دانشگاهی آگاه سازیم. برای این منظور و همچنین آشنایی با راهکارهای علمی و عملی دانشگاه‌ها در پیشگیری از سرقت علمی-ادبی، محتویات تارنمای ۱۳۳ دانشگاه، پژوهشکده و مؤسسه‌ی علمی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بررسی شد. نتایج بررسی بیشتر تارنماها از نبود محتوایی منسجم و جامع درباره‌ی این مفهوم حکایت دارد؛ و این بدان معناست که در بسیاری از این نهادها، دانشجویان از آموزش کافی درباره‌ی سرقت علمی-ادبی و اهمیت صداقت علمی بی‌بهره‌اند. پژوهش حاضر این ایده را پیش می‌نهد که برای انجام اقدامی مؤثر در این زمینه، شرط نخست آن است که مسئولان دانشگاه‌ها آشنایی دانشجویان با مفهوم و ماهیت سرقت علمی-ادبی و چگونگی اجتناب از آن را فرض نگیرند و بر سر این نکته که شناخت دقیق و راهکارهای مقابله با این پدیده نیازمند آموزش و آگاهی بخشی است، به توافقی اصولی دست یابند.

Key words: Academic Honesty, Plagiarism, Policy, University, Website.

کلید واژه‌ها: سرقت علمی-ادبی، صداقت علمی، سیاست، دانشگاه، تارنما.

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی M_nushi@sbu.ac.ir

مقدمه

مطالعات متعدد و روزافزونی که در رشته‌های مختلف درباره‌ی سرقت علمی-ادبی^۱ انجام می‌شود نشان‌دهنده‌ی اهمیت این موضوع، به‌ویژه در جوامع دانشگاهی است. درباب تعریف مفهوم سرقت علمی-ادبی، عوامل مؤثر در ارتکاب آن، و ارائه راهکارهای پیشگیرانه پژوهش‌های بسیاری انجام شده است (به‌عنوان مثال، بنت^۲، ۲۰۰۵؛ پکوراری و پتريک^۳، ۲۰۱۴؛ چیلدرز و بروتن^۴، ۲۰۱۶؛ رشادت جو و مهاجرى، ۱۳۹۳؛ رضانژاد و رضایی^۵، ۲۰۱۳؛ زمانی، عظیمی و سلیمانی، ۱۳۹۲؛ ساترلند-اسمیت^۵، ۲۰۰۸؛ عباسی و گریوز^۶، ۲۰۰۸؛ فلوردو و لی^۷، ۲۰۰۷؛ گو و بروکس^۸، ۲۰۰۸؛ مطلبی فرد و بیژن عبداللهی، ۱۳۹۳؛ مک کیب، اسمیت و پارکس^۹، ۲۰۰۷؛ مک گریل و مک گریل، ۲۰۱۵). سرقت علمی-ادبی پدیده‌ای پیچیده است و یافتن راهکار را برای مقابله با آن آسان نیست (هینچلیفه^{۱۰}، ۱۹۹۸). هو^{۱۱} (۲۰۱۵) راهکارهای پیشگیری از سرقت علمی-ادبی را بر پایه‌ی دیدگاه‌های موجود به سه دسته تقسیم می‌کند. اولین و ساده‌ترین روش که برپایه‌ی نظریه‌ی بازدارندگی^{۱۲} است تشخیص و مجازات سرقت علمی-ادبی را راهکاری مؤثر برای پیشگیری از آن می‌داند. مطابق با استدلال این دیدگاه از آن‌جا که سرقت علمی-ادبی جرمی اخلاقی و بایسته‌ی مجازات است، تنبیه شدید سوءرفتار علمی در پیشگیری از تکرار این رفتار بسیار مؤثر است. برای اجرای این روش و جهت تسهیل در تشخیص متن سرقت شده از نرم افزارهای مختلف تطبیق متن استفاده می‌شود. ولی نرم‌افزارهای تشخیص سرقت علمی-ادبی واژگان و عبارات‌های کپی شده را شناسایی می‌کند نه سرقت علمی-ادبی را (هیز و انترونا، ۲۰۰۵). افزون بر این، شباهت در چند کلمه می‌تواند کاملاً تصادفی باشد زیرا برخی از رشته‌ها از عبارات‌های فنی ثابت بسیاری استفاده می‌کنند (ویجر^{۱۳}، ۲۰۱۴). نرم‌افزار تشخیص سرقت علمی-ادبی اگرچه به قضاوت منصفانه و ترس از گرفتار شدن (گیر افتادن) به‌مثابه عاملی بازدارنده کمک می‌کند، اما از دید برخی پژوهشگران جستجوی مدام در کارهای دانشجویی با هدف یافتن سرقت علمی-ادبی و گیر انداختن آن‌ها به بی‌اعتمادی و سوءظن در مناسبات علمی دامن می‌زند (پارک، ۲۰۰۴).

1. Plagiarism

3. Pecorari & Petric

5. Sutherland-Smith

7. Flowerdew & Li

9. McCabe, Smith & Parks

11. Hu

13. Wager

2. Bennett

4. Childers & Bruton

6. Abasi & Graves

8. Gu & Brooks

10. Hinchliffe

12. Deternece thoery

مطابق دیدگاه دوم مؤسسه‌های علمی و آموزشی باید با فراروی از تشخیص، بازدارندگی و مجازات سرقت علمی-ادبی، رویکردی را برگزینند که بر آموزش اخلاق مبتنی باشد و فرهنگ صداقت علمی را ترویج کند. در دیدگاه دوم که به استفاده از کدهای افتخار تأکید دارد تلاش می‌شود تا صداقت علمی را به‌عنوان یک ارزش اصیل سازمانی در بین دانشجویان نهادینه و مسئولیت اجرای معیارهای اخلاق سازمانی و مبارزه با سرقت علمی-ادبی را به آنان واگذار کند. از آنجا که این دیدگاه بر تعهد و مسئولیت‌پذیری دانشجویان در رعایت صداقت دانشگاهی و اجتناب از سرقت علمی-ادبی متکی است، از آن به دیدگاه خودتنظیمی (خودنظارتی) یاد می‌شود. روش کد افتخاری با وجود موفقیت نسبی در از بین بردن فریبکاری علمی (مک کیب، تروینو و باترفیلد، ۲۰۰۱) لزوماً به ریشه‌های فریبکاری نمی‌پردازد و تأثیر آن بر روی دانشجویان یکسان نیست (آرنولد، مارتین، و بیگی، ۲۰۰۷). مک کیب، تروینو و باترفیلد (۲۰۰۲) طرح صداقت علمی را به‌عنوان اولوی‌ترین سازمانی جهت ایجاد یک محیط علمی قوی و پرافتخار و تصویب آن در قالب طرح‌هایی جامع، وظیفه مدیران سازمانی می‌دانند.

دیدگاه سوم به‌رغم سلب مسئولیت از دانشجویان در سرقت علمی-ادبی، رویکردی آموزشی دارد و به کمک استادان نگارش (نویسندگان برجسته)، دانشجویان را با شیوه‌های یادگیری دانش، که برای نهادهای آموزشی ارزشمندند، آشنا می‌سازد و استفاده‌ی مؤثر و مسئولانه از منابع را آموزش می‌دهد (هو و لی، ۲۰۱۵). هدف این رویکرد، آموزش «طیف وسیعی از مهارت‌ها و راهکارها از جمله راهبردهای (استراتژی‌های) درک متن، یادداشت‌برداری روشمند، بازنویسی، خلاصه‌نویسی، نقل قول و ترکیب متون از منابع متعدد» است و «فرصت کافی برای تمرین در محیط یادگیری حمایتی که در آن دانشجویان به دلیل اشتباه در فرایند یادگیری به سرقت علمی-ادبی متهم نمی‌شوند» را در اختیار آنان قرار می‌دهد (پکوراری و پتريک، ۲۰۱۴، ص. ۲۸۸). رویکرد نامبرده برای کمک به دانشجویان علاقمند به یادگیری استفاده‌ی مشروع و مؤثر از منابع مفید است، ولی برای دانشجویانی که قصد دستبرد علمی دارند یا به‌طور تصادفی یا دلایل دیگر مرتکب این رفتار می‌شوند کارساز نیست.

پنیکوک (۱۹۹۶) بخشی از مشکل مواجهه با این پدیده را، استفاده‌ی نادرست از عبارت سرقت علمی-ادبی می‌داند گویی سرقت علمی-ادبی، کنشی روشن و مشخص است. کرون و سپیلا^۱ (۱۹۹۸) دریافتند که اگر تعاریف و مجازات بدرفتاری علمی (از جمله سرقت علمی-ادبی) برای دانشجویان روشن باشد ارتکاب تقلب کاهش خواهد یافت. به باور مک کیب و تروینو^۲ (۱۹۹۳، ص. ۵۳۱) نداشتن صداقت علمی با (۱) درک/پذیرش سیاست‌های صداقت علمی (۲)

1. Crown & Spiller

2. McCabe & Treviño

اطمینان از غیر افتادن (۳) درک شدت مجازات و (۴) درک رفتار همسالان ارتباط وثیقی دارد. رضائزاد و رضایی (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود بر پیشگیری از طریق آموزش و آگاهی‌بخشی در خصوص سرقت علمی-ادبی تأکید ورزیده‌اند، چرا که بین میزان آگاهی دانشجویان و ارتکاب رفتارهای ناصواب علمی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد.

با توجه به آنچه در بالا آمد، شرط اول قدم، توافق نهادهای علمی هر کشور بر سر تعریف سرقت علمی-ادبی و مجازات و تنبیهات آن و سپس نشر و ترویج نتایج توافق در جامعه‌ی دانشگاهی، به‌ویژه دانشجویان تازه وارد و بین‌المللی است. همان‌طور که ساترلند-اسمیت (۲۰۰۸) به درستی اشاره می‌کنند، یکی از نقدهای عمده به آموزش عالی این است که دانشجویان بدون مهارت‌های لازم وارد دانشگاه می‌شوند. رشد فزاینده‌ی سرقت علمی-ادبی در جهان (و ایران) و ضرورت ارائه‌ی راهکارهای برون‌رفت از آن، به‌خصوص در جوامع دانشگاهی، اهمیت چشمگیری به این موضوع بخشیده است. موضوع مطالعه‌ی حاضر بررسی سیاست‌های ضد سرقت علمی-ادبی در تارنماهای مراکز علمی ایران و اهمیت آگاه‌سازی دانشجویان با این پدیده‌ی مذموم است.

بیان مسئله

یکی از پرسش‌های معمول مسئولان دانشگاه‌ها، به‌ویژه اساتید این است که چرا وقتی از دانشجویان تکلیفی خواسته می‌شود برخی از آن‌ها به تقلب و سرقت علمی-ادبی متوسل می‌شوند. متغیرهای بسیاری در بروز تخلفاتی از این دست تأثیرگذار است و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دانشگاه‌ها از آن جمله است. برای مثال، اطلاع‌رسانی نکردن و نداشتن سیاستی روشن در قبال پدیده‌ی سرقت علمی-ادبی و راه‌های پیشگیری از آن، نقش مؤثری در گرایش دانشجویان به سرقت علمی-ادبی خواهد داشت (مارشال و گری^۱ (۲۰۰۶) و مک گریل و مک گریل^۲ (۲۰۱۵)). یکی از دلایل گرایش دانشجویان به تقلب و سرقت علمی-ادبی آگاه نبودن آنان از ماهیت و مصداق‌های این پدیده است. تلاش برای کاهش بروز این رفتار در آموزش عالی نه تنها احتمال ارزیابی درست و دقیق عملکرد دانشجویان، بلکه ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی را نیز افزایش می‌دهد (اولت^۳، ۲۰۰۷).

با وجود آنکه اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه در خصوص سرقت علمی-ادبی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است؛ اما در ایران تاکنون در باب بازتاب این سیاستها در تارنماهای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و محتوای آن‌ها پژوهشی انجام

1. Marshall & Garry
3. Olt

2. McGrail & McGrail

نشده است. در مطالعه حاضر تلاش شده است تا سیاست‌های مذکور؛ آن‌گونه که در تارنمای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی انعکاس یافته است، نقد و بررسی شود.

پیشینه پژوهش

ریشه‌ی عبارت سرقت علمی-ادبی کلمه‌ی لاتین Plagiarus به معنی آدم‌ربایی است. برای این عمل که با نام‌های مختلفی از قبیل سوءاستفاده^۱، استناد غلط و ناروا^۲، نقض قوانین حق تکثیر^۳، سرقت ادبی^۴، تقلید^۵، تقلب^۶، و سرقت یا دزدی^۷ شناخته می‌شود (مارش^۸، ۲۰۰۷)، تعاریف زیادی نیز ارائه شده است. کارول^۹ (۲۰۰۲، ص. ۹) تعریفی کلی از سرقت علمی-ادبی ارائه می‌دهد و آن را «ارائه کار فردی دیگر به‌عنوان کار خود، چه عمدی یا غیرعمدی، برای منفعت شخصی» می‌داند. از دید پارک^{۱۰} (۲۰۰۳، ص. ۴۷۲) «سرقت علمی-ادبی شامل سرقت علمی-ادبی، سرقت (کپی کردن) کلمات یا ایده‌های فردی دیگر و ارائه‌ی آن‌ها به‌عنوان کار خود بدون ارجاع صحیح به منبع» است. بلتر و دوپره^{۱۱} (۲۰۰۹، ص. ۲۵۹) سرقت علمی-ادبی را استفاده از «متنی که تمامی آن از منبعی دیگر، بدون ارجاع صحیح به منبع و استفاده از علامت نقل قول، گرفته شده باشد» است.

نقاط اشتراک در تعاریف بالا بسیار است، نتیجه‌ای که پکوراری نیز (۲۰۰۲، ص. ۶۰) پس از بررسی ۵۳ تعریف سرقت علمی-ادبی بدان رسید. او در پژوهش خود به شش عنصر مشترک دست یافت: سرقت علمی-ادبی «(۱) یک شیء (به‌عنوان مثال، زبان، کلمات، متن) است، (۲) که گرفته شده است (قرض گرفته، و غیره به سرقت رفته) (۳) از یک منبع خاص (کتاب، مجله، اینترنت)، (۴) توسط یک عامل (دانش‌آموز، شخص، پژوهشگر)، (۵) بدون اذعان (کافی) و (۶) با یا بدون قصد فریب». مطابق با این تعاریف، سرقت علمی-ادبی به استفاده از مقاله یا کتاب محدود نمی‌شود، بلکه شامل طیف وسیعی از رفتارها و تخلفات پژوهشی است (مثلاً استفاده ناسنجیده از تصویر، ایده یا طرحی مشخص و یا نامشخص). البته باید در نظر داشت که تعدد تعریف و تعبیر متفاوت، پیامدهایی نیز به همراه خواهد داشت. کارول و اپلتون^{۱۲} (۲۰۰۱، ص. ۴) بر این نظرند که «هرگونه تعریفی از سرقت علمی-ادبی که فراتر از فرهنگ لغت باشد، تنوع چشمگیری در درک آن پدید خواهد آورد». پوررز^{۱۳} (۲۰۰۹) وی هم‌چنین می‌گوید که توافق

1. Misappropriation
3. copyright infringement
5. imitation
7. Stealing
9. Carroll
11. Belter & DuPre
13. Powers

2. faulty citation
4. literary theft
6. cheating
8. Marsh
10. Park
12. Carroll & Appleton

نداشتن بر سر تعریف و دامنه‌ی این رفتار یافته‌های پژوهش، به‌ویژه پژوهش‌هایی را که دانش‌آموزان و دانشجویان مصداق‌های سرقت علمی-ادبی و دامنه‌ی آن را بیان کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مروری بر دیدگاه‌ها

سرقت علمی-ادبی که کولیچ^۱ (۱۹۸۳، ص. ۱۴۱) از آن به‌عنوان «کرم منطق» یاد می‌کند موضوعی پیچیده است که از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است. فیش و هورا^۲ (۲۰۱۳) به پنج نوع از این دیدگاه‌ها اشاره می‌کنند. در دیدگاه مطالعات نوع اول، هدف یافتن آن دسته از خصوصیات در دانشجویان است که احتمال ارتکاب به سرقت علمی-ادبی را پیش‌بینی می‌کند، خصوصیات از قبیل سطح استدلال اخلاقی، عزت نفس، موفقیت و نوع انگیزه. این دیدگاه تصمیم برای سرقت علمی-ادبی را به خصوصیات دانشجویان نسبت می‌دهد و عوامل بیرونی را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. دیدگاه مطالعات نوع دوم به رابطه‌ی سرقت علمی-ادبی و روش آموزش یا فرهنگ کلاس درس می‌پردازد و نقش عوامل بیرونی را در گرایش دانشجویان به سرقت علمی-ادبی برجسته می‌کند. استدلال این مطالعات این است که سخت‌گیر نبودن و بی‌دقتی استادان در کلاس و یا بررسی نکردن تکالیف دانشجویان این باور را به دانشجویان القا می‌کند که آنان می‌توانند کار فرد دیگری را به‌عنوان کار خود ارائه دهند. غیرعمدی (سهوی) بودن سرقت علمی-ادبی، دیدگاه مطالعات نوع سوم است. این دیدگاه اغلب در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا دانشجویی را که ناآگاهانه مرتکب سرقت علمی-ادبی شده است باید تنبیه کرد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا این منطقی است که از دانشجویی که هنوز در مرحله‌ی یادگیری نوشتن مقالات علمی است انتظار اطلاع کامل از چگونگی سرقت علمی-ادبی و ضرورت اجتناب از آن را داشته باشیم. [اهمیت] اصول اخلاقی، به‌ویژه صداقت علمی، نوع چهارم تحقیقات در زمینه سرقت علمی-ادبی است. موضوع این مطالعات بررسی سرقت علمی-ادبی در سطح دانشجویان، استادان و نهادهای علمی و آموزشی است و به الزام این نهادها به آگاهی‌بخشی درباره‌ی اهمیت صداقت علمی به دانشجویان و همچنین تلاش استادان برای عرضه‌ی یک الگوی رفتار اخلاقی به دانشجویان خود تأکید می‌کند.

بررسی موضوع «دسترسی اینترنتی آسان به متون» به‌عنوان مهم‌ترین دلیل افزایش سرقت علمی-ادبی، محور نوع پنجم مطالعات است. این نوع سرقت، یعنی همان کپی متون اینترنتی در سال‌های اخیر بسیار رواج یافته است. بر پایه‌ی برخی مطالعات دانشجویان بر این باورند که

1. Kolich

2. Fish & Hura

اطلاعات اینترنتی به نویسنده‌ای خاص تعلق ندارد، و آن‌ها می‌توانند در تکالیف درسی خود از اطلاعات استفاده کنند (ساترلند-اسمیت، ۲۰۰۵).

فناوری، تشخیص سرقت علمی-ادبی را نیز آسان‌تر ساخته است. امروزه نرم‌افزارهای تطبیق متن مانند Copycatch, iThenticate, Safeassignment, Turnitin and Viper می‌تواند به فرایند تشخیص سرقت علمی-ادبی کمک کند. این ابزارها به‌رغم وعده‌ی سازندگان آن‌ها در تشخیص مؤثر و سریع سرقت علمی-ادبی، بی‌نقص نیستند. برخی از مطالعات بهره‌وری و پیامد نتایج حاصل از این نرم‌افزارها را بررسی کرده‌اند (دیویس و کارول^۱، ۲۰۰۹؛ انترونا و هیژ^۲، ۲۰۱۱). برای مثال تشخیص سرقت علمی-ادبی از طریق نرم‌افزار، تنها هنگام کپی لغت به لغت میسر است، ولی وقتی سرقت در سطح ایده و با استفاده از واژه‌های مختلف انجام شود، تشخیص آن سخت‌تر می‌شود.

مطالعات بسیاری نیز به بررسی رابطه‌ی سرقت علمی-ادبی و عوامل فرهنگی با تأکید بر سویی فرهنگی این پدیده اختصاص یافت (سودن^۳، ۲۰۰۵؛ پنی‌کوک، ۱۹۹۶؛ شی^۴، ۲۰۰۶). برای پیشبرد این استدلال و روش‌داشت ارتباط عوامل اجتماعی-فرهنگی با سرقت علمی-ادبی، در برخی مطالعات تقابل دیدگاه نویسنده در محیط‌های ESL / EFL و نویسندگان انگلیسی زبان در کانون توجه قرار گرفت (مارتین^۵، ۲۰۱۱؛ شرمن^۶، ۱۹۹۲)، برخی دیگر نیز نگرش نویسندگان ESL / EFL آسیایی را نسبت به شیوه‌های غربی (لوکاسترو و ماسکو^۷، ۱۹۹۷؛ دکرت^۸، ۱۹۹۳) بررسی کرده است. پکوراری (۲۰۰۱) با تمرکز بر مفهوم مالکیت عمومی دانش گفتگوی خود را با یک دانشجوی ژاپنی نقل می‌کند که معتقد بود از آن‌جا که گفته‌های نویسنده صحیح و مبتنی بر «عقل سلیم» است، ذکر نام او لازم نیست. سودن (۲۰۰۵) نیز به ویژگی‌های فرهنگی برخی کشورهای آسیایی، از جمله ویژگی‌های دانشجویان خوب، نقش دانشجویان در کلاس و اهمیت چشمگیر اجماع گروه بر توانایی‌های فردی مؤثر بر فهم سرقت علمی-ادبی در مقایسه با کشورهای غربی اشاره کرده است. از دید هایلند^۹ (۲۰۰۱، ص. ۳۸۱) «حساسیت بیش از حد معلمان در مورد احساسات و تفاوت‌های بالقوه‌ی فرهنگی دانشجویان» ممکن است آن‌ها را از هشدار دادن به دانشجویان در مورد روش‌هایی که ممکن است مصداق سرقت علمی-ادبی تلقی شود، باز دارد. شرمن (۱۹۹۲) تجربه‌ی روپارویی به نمونه‌هایی از سرقت علمی-ادبی ناخواسته

1. Davis & Carroll

3. Sowden

5. Martin

7. Locastro & Masuko

9. Hyland

2. Introna & Hayes

4. Shi

6. Sherman

8. Deckert

دانشجویان ایتالیایی اشاره می‌کند که منشأ آن فرهنگ [پشتیبان] نظام آموزشی بود. توجه به عوامل فرهنگی قبل از اتهام سرقت علمی-ادبی، ضرورتی انکارناپذیر است، در واقع، تمامی این عوامل، به فهم چرایی وقوع سرقت علمی-ادبی کمک می‌کند.

دلیل تقلب و سرقت علمی-ادبی دانشجویان چیست؟

برای گرایش دانشجویان به سرقت علمی-ادبی، بسته به آن که این عمل خواسته یا ناخواسته انجام شود دلایل متعددی ارائه شده است. هاوارد (۱۹۹۳، ص. ۲۳۳) با اشاره به بحث «نوشتن وصله‌ای» از آن به‌عنوان کپی کردن از یک متن منبع، حذف برخی از کلمات و تغییر ساختارهای دستوری، نام برده است و استدلال می‌کند که دانشجویان این کار را با توجه به درک ناقص از مواد درسی و در محیط‌های انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی (EFL) یا زبان دوم (ESL) اعتماد به نفس نداشتن برای استفاده از یک زبان خاص انجام می‌دهند. دلیل این رفتار می‌تواند فشارهایی باشد که دانشجویان برای برآوردن انتظارات در آغاز یادگیری نگارش دانشگاهی متحمل می‌شوند، حسی که در میان نویسندگان تازه کار و کم‌مهارت رایج است. در مطالعه‌ای دیگر، مک کیب و تروینو^۱ (۱۹۹۷) دریافتند که آگاهی دانشجویان از مخالفت همکلاسی‌هایش با تقلب، بیشترین تأثیر را در کاهش ارتکاب به تقلب دارد. نتیجه‌ی پژوهش هاتن (۲۰۰۶، ص. ۱۷۱)، عکس این یافته را ثابت کرد. عواملی که باعث تقویت روابط دانشجویان می‌شود به ترویج تقلب کمک می‌کند؛ چرا که آگاهی دانشجویان را درباره‌ی شیوع تقلب افزایش می‌دهد و دیدگاه آنان را درباره‌ی این رفتار تغییر می‌دهد.

کارول^۲ (۲۰۰۲) بر این باور است که بی‌اطلاعی کامل بسیاری از دانشجویان از سرقت علمی-ادبی و مصداق‌های آن ممکن است به سرقت علمی-ادبی ناخواسته منجر شود. هم‌چنین حرکت از آزمون و تست به سوی ارزیابی مبتنی بر پروژه، فشار بر دانشجویان را برای کسب نمرات بالاتر افزایش و آن‌ها را به نداشتن صداقت علمی سوق داده است. بیسلی^۳ (۲۰۰۴، صص. ۷ و ۸) هشت دلیل فراگیر را برای سرقت علمی-ادبی دانشجویان برمی‌شمرد که تنها یکی از آن‌ها عمدی است. این دلایل عبارت‌اند از: آگاهی نداشتن از قوانین، منافع شخصی (زمان و فعالیت‌های رضایت بخش تر دیگر)، مشکلات مدیریت زمان، هیجان در شکستن قوانین، بی‌اعتنایی (به‌ویژه در درسی که برای دانشجویان رضایت‌بخش نیست و یا اینکه وقتی دانشجویان احترام زیادی برای معلم خود قائل نیستند)، وسوسه و فرصت‌طلبی (دسترسی آسان و گسترده‌ی اینترنت)، محاسبه‌ی هزینه و فایده (باور به اینکه اندکی شانس برای شناسایی نشدن و گیر نیفتادن وجود دارد)، و

1. McCabe & Trevino
3. Beasley

2. Carroll

ترس (که عمدتاً نتیجه‌ی فشار پدر و مادر و دیگران برای کسب نتیجه و نمرات خوب است). بر پایه‌ی این دلایل، او دانشجویانی را که مرتکب سرقت علمی-ادبی می‌شوند به سه گروه گسترده تقسیم می‌کند: سارقان علمی-ادبی تصادفی^۱، سارقان علمی-ادبی فرصت طلب^۲ و سارقان علمی-ادبی متعهد^۳ (بیسلی ۲۰۰۴). گروه اول مشکلات اخلاقی جبران‌ناپذیری برای دانشگاه‌ها ایجاد می‌کنند؛ زیرا ناآگاهی آن‌ها نتیجه‌ی سهل‌انگاری و نبود نظارت کافی بر مراکز علمی-آموزشی است. هیوز و مک کیب^۴ (۲۰۰۶، ص. ۱) سرقت علمی-ادبی در بین دانشجویان کانادایی را بررسی و عواملی چون «بلوغ دانشجویان، درک نادرست از بدرفتار علمی، نحوه‌ی ارزیابی استادان و روش‌های مراقبت در جلسه‌ی امتحان، حس‌گیر نیفتادن، سیاست‌ها و روش‌های مبهم و ناکارآمد و در نهایت نبود آموزش و اطلاع‌رسانی در خصوص بدرفتاری علمی» را به‌عنوان دلایل اصلی ارتکاب به سرقت علمی-ادبی معرفی کرده‌اند.

کوماس-فورگاس و فوردنا-نگر^۵ (۲۰۱۰) عوامل مرتبط با سرقت علمی-ادبی را از دیدگاه دانشجویان بررسی کرده‌اند. بر پایه‌ی نتایج این پژوهش، یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش به این رفتار، فرصت‌ها و امکاناتی است که در سایه‌ی پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات و کپی کردن اطلاعات فراهم شده است. بازداشتن دانشجویان از دسترسی به فناوری نه ممکن است و نه مطلوب. آن‌ها به سهولت به فناوری دست می‌یابند، بنابراین راهکار مواجهه با این مشکل چیست؟ به‌ویژه آن‌که واکنش تهدیدآمیز رئیس و دیگر مقامات دانشگاه نیز ره به جایی نمی‌برد. شورای مدیران برنامه نوشتاری آمریکا^۶ (۲۰۰۳) در واکنش به نگرانی‌ها درباره‌ی سرقت علمی-ادبی بیانیه‌ای صادر کردند. این شورا، پس از تعریف و بیان برخی علل و اشاره به مسئولیت دانشجویان، استادان و مدیران، برخی اقدامات لازم را برای کاهش سرقت علمی-ادبی برشمرده است. شاشوک^۷ (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی مشابه، برای پیشگیری از سرقت علمی-ادبی، جهت بهبود نوشتار و مهارت‌های ارجاع‌دهی راهبردهایی را ارائه داده است. از آن جمله است: اجتناب از کپی‌برداری در نوشتار، قرار دادن منابع موقت، استفاده از علامت نقل‌قول به وقت ضرورت و بازخوانی نوشته قبل از ارسال آن. این روش‌ها با وجود محاسنی چند، برای مقابله با سرقت علمی-ادبی دانشجویان کافی به نظر نمی‌رسند. گونارسون، کولسزا و پترسون^۸ (۲۰۱۴)، طی برگزاری یک دوره‌ی روش پژوهش برای دانشجویان کارشناسی ارشد مهندسی، به موضوع سرقت

1. Accidental

2. Opportunistic

3. Committed

4. Hughes & McCabe

5. Comas-Forgas & Sureda-Negre

6. Council of Writing Program Administrators (WPA)

7. Shashok

8. Gunnarsson, Kulesza & Pettersson

علمی-ادبی از دیدگاه آموزشی (و نه تنبیهی) پرداختند. نتیجه‌ی نظرسنجی آن‌ها نشان می‌داد که برای پیشگیری از سرقت علمی-ادبی باید در نحوه‌ی ارجاع‌دهی و منابع آموزش بازنگری نمود. دوره‌ی مذکور با آموزش چگونگی ارجاع مقاله، بازنویسی یا نقل به مضمون^۱ و منبع‌نویسی به پایان رسید. بر همین اساس، جکسون^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود، که در دانشگاه ایالتی سن خوزه^۳ انجام داد، راه پیشگیری از سرقت علمی-ادبی را تأکید بر آموزش دانسته است. او دریافت که دانشجویان در عمل قادر به نقل به مضمون نیستند؛ بنابراین «آموزش [در مورد] سرقت علمی-ادبی باید در در دانشگاه و حین تحصیل معرفی و نهادینه شود تا از تربیت دانشجویان اخلاق‌مدار اطمینان خاطر حاصل شود» (ص. ۴۲۶).

هدف جونز (۲۰۱۱) بررسی دلایل رفتارهای غیرعلمی، به‌ویژه تقلب و سرقت علمی-ادبی از اینترنت در بین دانشجویان بود. برای یافتن پاسخ، او دیدگاه یک گروه ۴۸ نفره از دانشجویان رشته‌ی ارتباطات کسب و کار اینترنتی را جویا شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که دلیل ارتکاب ۹۲٪ از دانشجویان به این رفتار غیرعلمی، گرفتن نمره‌ی بهتر است. سایر دلایل از این قرار است: مشغله‌ی فراوان، نداشتن زمان کافی برای انجام تکالیف یا آماده‌شدن برای آزمون، بی‌علاقگی، مهم نبودن رفتارهای غیرعلمی؛ به دلیل فراگیر بودن آن (ریخته شدن قبح رفتارهای غیرعلمی) و در نهایت فشار همسالان (همکلاسی‌ها). اکنون پرسش مهم این است که دانشگاه‌ها چه سیاست‌های سازمانی، اطلاعاتی، و آموزشی به دانشجویان ارائه می‌دهند، و برداشت آنان از مفهوم سرقت علمی-ادبی تا چه اندازه با این سیاست‌ها همسان است. این موضوع می‌تواند نقش چشمگیر آموزش در پیشگیری از سرقت علمی-ادبی را برجسته سازد و به انجام مطالعات جامع‌تر در این زمینه بینجامد.

دانشگاه‌ها و سیاست‌های ضد سرقت علمی-ادبی

یکی از حوزه‌های مرتبط با سرقت علمی-ادبی که توجه پژوهشگران را نیز به خود جلب کرده است سیاست‌های ضد سرقت علمی-ادبی دانشگاه‌ها و رفتارهای دانشجویان است (مک کیب^۴، ۲۰۰۵؛ ما، وان و لو^۵، ۲۰۰۸؛ پارک، ۲۰۰۳؛ تیندل و بوهدلر^۶، ۲۰۱۲؛ فریر و همکاران^۷، ۲۰۱۳؛ ویتهاکا و گیتمو^۸، ۲۰۱۲). بیشتر این مطالعات در دانشگاه‌های کشورهای انگلیسی زبان (هیز و

1. Paraphrasing
3. San José State University
5. Ma, Wan & Lu
7. Freye et al.

2. Jackson
4. McCabe
6. Tindell & Bohlader
8. Waithaka & Gitimu

انترونا، ۲۰۰۵؛ مک کیب، ۲۰۰۵) و به میزان بسیار کمتری در دانشگاه‌های کشورهای غیرانگلیسی زبان (مک کیب و همکاران^۲، ۲۰۰۸؛ کارول و زترلینگ^۳، ۲۰۰۹) انجام شده است. تحقیقات درباره‌ی تعاریف و سیاست‌های دانشگاه‌ها از سرقت علمی-ادبی نشان از تفاوت‌های مهم و به احتمال قوی بروز مشکلاتی برای دانشجویان دارد. مک گریل و مک گریل (۲۰۱۵) بر پایه‌ی طبقه‌بندی مؤسسه‌ی کارنگی^۴ از ۲۰ دانشگاه که به لحاظ پژوهشی نیز در شمار دانشگاه‌های برتر هستند پژوهش خود را سامان داده‌اند. از این تعداد، ۱۵ دانشگاه دولتی و پنج دانشگاه خصوصی بودند. نتیجه‌ی پژوهش از اجرای سیاست‌هایی متنوع و گاه متضاد در خصوص سرقت علمی-ادبی و گونه‌های مختلف آن از قبیل سرقت علمی-ادبی کلمه به کلمه، سرقت علمی-ادبی عمدی و همکاری غیرمجاز دانشجویان حکایت دارد. پیشنهاد این پژوهشگران به انجمن اساتید دانشگاه‌های آمریکا^۵ و سایر نهادهای علمی ذریبط تلاش برای دست یافتن به وحدت رویه در خصوص مسئله‌ی سرقت علمی-ادبی و سیاست‌های مربوط به آن است.

پژوهش یامادا^۶ (۲۰۰۳) در خصوص سیاست‌های سرقت علمی-ادبی در تارنمای ۱۰ دانشکده‌ی آمریکای شمالی حاکی از آن است که در این تارنماها مطلبی درباره‌ی آموزش مهارت بازنویسی برای تولید متن مطلوب، مهارت‌های استفاده و ترکیب روشمند منابع مختلف و پیوند آن با تفسیر دانشجویان، و مهم‌تر از آن فرآیندهای تفکر استنباطی، به‌عنوان مهم‌ترین جزء مهارت نوشتار وجود ندارد.

نکته تأکید یامادا بر ضرورت فراگیری مهارت‌های "از آن خود کردن متون" است. پکوراری (۲۰۰۱) در نظرسنجی خود از ۵۴ دانشگاه در ایالات متحده آمریکا، انگلستان و استرالیا، بر وجود تفاوت‌های اساسی در تعاریف سرقت علمی-ادبی به لحاظ توجه به میزان جزئیات، عمدی یا سهوی بودن سرقت علمی-ادبی و سهولت دسترسی به اطلاعات، انگشت نهاد. در مطالعه‌ای مشابه درمورد سیاست‌های ضد سرقت علمی-ادبی و صداقت علمی، دانشگاه‌ها در استرالیا، کانادا، ایالات متحده، انگلستان، نیوزیلند و چین، ساترلند- اسمیت (۲۰۰۸) به متغیر بودن تعاریف ارائه شده براساس میزان سرقت علمی-ادبی، تمرکز بر کپی کردن لغات و عمدی بودن اشاره کردند. پرایس^۷ (۲۰۰۹) مطالعه‌ای گسترده‌ای درباره‌ی نظر اساتید و دانشجویان در رابطه با سیاست‌ها و

1. Hayes & Introna

2. McCabe, Fenghali & Abdallah

3. Carroll & Zetterling

4. Carnegie Institution

5. The American Association of University Professors (AAUP)

6. Yamada

7. Price

مجازات دانشگاهی در انگلستان انجام داد و برخی تفاوت‌ها و مشکلات پیش روی دانشجویان را، نظیر نداشتن آگاهی کافی درباره‌ی سیاست‌ها و بروز سوء تفاهم‌های احتمالی، برمی‌شمرد. در سال‌های اخیر جهت رفع مشکلات پیش گفته و وضع قوانین فراگیر مرتبط با مسئله‌ی سرقت علمی-ادبی، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است. در سال ۲۰۰۳ شورای مدیران برنامه‌ی نوشتاری آمریکا کتاب راهنمایی زیر عنوان *Defining and Avoiding Plagiarism: The WPA Statement on Best Practices* منتشر کرد. تعریف سرقت علمی-ادبی در این کتاب بدین شرح است: «در یک محیط آموزشی، سرقت ادبی زمانی رخ می‌دهد که نویسنده به عمد از زبان، ایده‌ها یا محتوای بدیع (و نه دانش مشترک) شخص دیگری بدون ذکر منبع استفاده کند» (ص ۱۰). نکته‌ی قابل توجه در این تعریف عمدی پنداشتن سرقت علمی-ادبی است. با وجود این دانشگاه‌ها در بسیاری از موارد قادر به تشخیص عمدی یا غیر عمدی بودن این رفتار نیستند (مک گریل و مک گریل، ۲۰۱۵).

استفاده از کدهای افتخار^۱ راهکار دیگر دانشگاه‌ها برای مقابله با معضل بد اخلاقی علمی است. کد افتخار دانشگاهی مجموعه‌ای از قوانین و اصول اخلاقی حاکم بر جامعه‌ی دانشگاهی است که صبغه‌ی آرمانی دارد و ملاک تعریف رفتار شرافتمندانه است. مک کیب و همکارانش^۲ (۲۰۰۲، ص ۳۶۵) پس از بررسی کدهای افتخار ۲۱ دانشگاه در آمریکا، از نقش کدهای افتخار اصلاح شده^۳ در کاهش صداقت علمی دانشجویان اطلاع یافتند. مک کیب و همکاران (۲۰۱۲، ص ۹۸) بر این نظرند که «اگرچه تعریف واحدی از کد افتخار اصلاح شده وجود ندارد ... با وجود این، همچون کدهای افتخاری سنتی بر مسئولیت‌پذیری دانشجویان در صداقت علمی تأکید می‌کنند ولی بدون بازخواست کردن. براون و هاول^۴ (۲۰۰۱) بر این موضوع تأکید می‌کنند که به دست دادن بیانیه‌ای روشن و دقیق از سیاست‌های مرتبط با سرقت علمی-ادبی، در القای اهمیت آن در بین دانشجویان مؤثر بوده است. گولیفیر و تاپسون^۵ (۲۰۱۳، ص ۱۲۰۳) اهمیت وجود سیاست‌های دانشگاه در زمینه سرقت علمی-ادبی این‌گونه تشریح می‌کنند: «همه‌ی افراد باید این تعاریف (قوانین) را در محیط دانشگاه رعایت کنند. علاوه بر این، معیارهایی نیز باید به گزارش، بررسی و تنبیه نقض آن‌ها اختصاص یابد». به باور این گروه از پژوهشگران «تعاریف (قوانین) باید معیاری برای ارزیابی فهم دانشجویان از سرقت علمی-ادبی باشند» (همان صفحه).

1. Honor codes

3. Modified honor codes

5. Gullifer & Tyson

2. McCabe, Treviño & Butterfield

4. Brown & Howell

هدف

اهداف پژوهش حاضر بر این قرار است: نخست؛ بررسی تارنماهای مراکز علمی (دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها و مؤسسه‌های) ایران برای دانستن این مطلب که آیا در آن‌ها سیاستی درمورد سرقت علمی-ادبی وجود دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، به تعریف تارنمای مذکور از پدیده‌ی سرقت علمی-ادبی و راهکار یا مهارت پیشنهاد شده برای بازداشتن دانشجویان از انجام این عمل غیراخلاقی پرداخته می‌شود. دوم؛ ارتقای سطح آگاهی این مراکز و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در خصوص تقلب، به‌ویژه سرقت علمی-ادبی؛ موضوعی که در عصر گسترش فزاینده‌ی ابزار و رسانه‌های دیجیتالی از اهمیت بسزایی برخوردار است و تحقق آن نیازمند این است که دانشگاه‌ها در خصوص سرقت علمی-ادبی، در تارنماهای خود سیاست روشنی داشته باشند. سوم؛ ارائه‌ی راهکارها و سیاست‌هایی برای درج در تارنماهای دانشگاهی، با هدف آگاه‌سازی و بازداشتن دانشجویان از سرقت علمی-ادبی است.

فرضیه؛ پرسش‌های پژوهش

۱. آیا دانشگاه‌های ایران در تارنماهای خود سیاستی درمورد سرقت علمی-ادبی دارند؟
۲. در صورت مثبت بودن پاسخ پرسش بالا، تارنماهای دانشگاهی چه تعریفی از سرقت علمی-ادبی ارائه داده‌اند؟
۳. آیا در این تارنماها راهکاری برای بازداشتن دانشجویان از سرقت علمی-ادبی پیشنهاد شده است؟
۴. آیا در این تارنماها سیاست تنبیهی و تشویقی مشخصی در مورد سرقت علمی-ادبی وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش تارنمای ۱۳۳ دانشگاه و مرکز آموزش عالی که در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درج شده بود^۱ برای شناسایی محتوای مربوط به مفهوم سرقت علمی-ادبی بررسی شد. در تارنمای وزارت علوم به اشتباه از ۱۳۷ دانشگاه و مرکز آموزش عالی سخن رفته است. نخست این که، ۹ دانشگاه و مرکز آموزش عالی تارنما ندارند. جستجوی بیشتر نشان داد که از آن میان، ۷ دانشگاه و مرکز آموزش عالی با وجود داشتن تارنما در فهرست وزارت علوم درج نشده‌اند. تارنماهای مذکور بررسی و محتوای آن‌ها برای تحلیل مدّ نظر قرار گرفت. دوم، نشانی تارنمای ۴ دانشگاه و مرکز آموزش عالی غیرفعال بود که جستجوی بیشتر، درج اشتباه نشانی تارنمای ۳ دانشگاه را در تارنمای وزارت علوم، نشان داد. این تارنماها نیز بررسی و در فهرست تحلیل نهاده شد. نام دانشگاه گیلان نیز دوبار درج شده است، بنابراین تعداد تارنمای بررسی شده ۱۳۳ بود.

روش پژوهش از نوع توصیفی بود و بررسی تارنماها در بازه زمانی ۲ دی تا ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۹۵ صورت گرفت.

برای دستیابی به نتایج جامع، لغت Plagiarism و برابر نهاده‌ی فارسی، عربی و واژگان مشابه آن، مانند سرقت علمی-ادبی، سرقت (یا دستبرد یا دزدی) علمی، سرقت (یا دستبرد یا دزدی) ادبی، درستکاری علمی، هم‌پوشانی، و بدرفتاری علمی^۱، ایده‌ربایی، واژه‌ربایی، سرقت محتوا، دستبرد به خود یا سرقت علمی از خود^۲، انتحال) در تارنماهای فارسی و انگلیسی (در صورت وجود) این دانشگاه‌ها جستجو شد. جامعه‌ی هدف، تارنماهای دارای گزینه‌ی جستجو است.

از آنجا که اطلاعات به دست آمده در قالب متون (اسناد) نوشتاری بود، تحلیل محتوا روش مناسبی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به شمار می‌آید (کریپندورف^۳، ۱۹۸۹). اری^۴ (۲۰۱۴، ص. ۴۸۸) تحلیل محتوا را این‌گونه توصیف می‌کند: «روشی پژوهشی که برای شناسایی ویژگی خاص منابع (مواد) نوشتاری و یا دیداری از قبیل کتاب‌های درسی، روزنامه‌ها، صفحات وب، سخنرانی‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، تبلیغات، و موسیقی به کار می‌رود». به نظر کوفی^۵ (۲۰۱۴، ص. ۳۶۹) اسناد واقعیت‌های اجتماعی‌اند؛ زیرا «تولید و به اشتراک نهاده می‌شوند و از آن‌ها استفاده می‌شود». اسناد «نوع خاصی از نمود اجتماعی است که از زبان و قوانین نوشتاری خاصی پیروی می‌کنند» (همان صفحه) و در این پژوهش ما را از برداشت (فهم و تعبیر) مؤسسه‌ها از سرقت علمی-ادبی آگاه می‌کنند. هدف پژوهشگر در این مطالعه نه پرداختن به برداشت مخاطبان مرتبط (اساتید و دانشجویان) بلکه بررسی سیاست‌های سرقت علمی-ادبی در اسناد مذکور است.

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش نشان داد که در هیچ یک از ۱۳۳ تارنمای بررسی شده سیاست جامعی در مورد صداقت علمی و سرقت علمی-ادبی وجود ندارد. تنها در یک تارنما به تعریف و در یک تارنمای دیگر به مجازات/تنبیه احتمالی سرقت علمی-ادبی اشاره شده است. در تارنمای مدیریت پژوهش و فناوری دانشگاه تبریز فایل‌ی با عنوان موازین اخلاق پژوهش قابل دسترسی است که به اهتمام مرکز برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پژوهشی وزارت علوم تدوین شده است. در فصل ششم این آئین‌نامه (رفتارهای سوء پژوهش)، تعریف و مصادیق سرقت علمی-ادبی به شرح زیر است:

[سرقت علمی-ادبی] شامل اقتباس نزدیک افکار و الفاظ نویسنده دیگر، تناظر یک به یک در بیان اندیشه‌ها و شباهت‌های ساختاری در نوشتار یا انتساب ایده‌ها، فرآیندها، نتیجه‌ها یا کلمه

1. Academic misconduct
3. Krippendorff
5. Coffey

2. Self-plagiarism
4. Ary

بررسی سیاست‌های سرقت علمی-ادبی در تارنماهای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران ۶۵

های دیگران به خود، بدون ارجاع مناسب است. ترجمه کل یا بخشی از آثار دیگران بدون کسب اجازه از مبادی ذریبط و معرفی آن به‌عنوان یک پژوهش اصیل علمی از مصادیق سرقت علمی است.^۲

در ماده‌ی ۲۶ یکی از آیین‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی اصفهان، زیر عنوان شیوه‌نامه‌ی اجرایی آیین‌نامه‌ی آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورخ ۲۵/۹/۱۳۹۴ چنین آمده است:

چنانچه دانشجو درحین تدوین پایان‌نامه اقدام به تخلف علمی (سرقت علمی، جعل، تقلب، کپی‌برداری و غیره) نماید و این موضوع از سوی دانشگاه اثبات شود، از ادامه تحصیل محروم و صرفاً گواهی مبنی بر تعداد واحدهای گذرانده دریافت می‌کند.

تبصره. احراز و اثبات تخلف علمی دانشجو پس از اتمام پایان‌نامه از سوی دانشگاه، منجر به ابطال مدرک تحصیلی صادر شده خواهد شد.^۳

در ۳ مورد دیگر هم کلمه‌ی سرقت علمی-ادبی و عبارات مربوط دیده شد ولی گویای سیاستی خاص در خصوص سرقت علمی-ادبی نیست. برای نمونه در فرم تعهدنامه و تعیین استاد راهنمای دانشجویان دکتری شیمی^۴ در دانشگاه تبریز، دانشجو متعهد می‌شود که «با آگاهی کامل از مفاد اصول اخلاق علمی، خود را ملزم به رعایت آن و عدم انجام سرقت و جعل علمی در طول دوره‌ی تحصیل و نگارش پایان‌نامه و مقالات» بدانند. در قسمت مرکز مشاوره و روانشناسی دانشگاه علم و صنعت ایران از سرقت علمی-ادبی به‌عنوان «نشانه‌هایی از مشکلات هیجانی»^۵ دانشجویان نام برده شده است ولی تعریفی از آن ارائه نشده است. در [تارنمای] دانشگاه صنعت نفت در بخش مراحل فارغ‌التحصیلی، به بررسی پایان‌نامه‌های دانشجویی از حیث اشتغال بر سرقت علمی-ادبی اشاره شده است، ولی در مورد سیاست‌های تنبیهی مواجهه با آن مطلبی نیامده است:

در این مرحله پایان‌نامه، که بایستی دقیقاً مطابق با شیوه‌نامه نگارش دانشگاه (آیین‌نامه نحوه نگارش پایان‌نامه) تهیه و تدوین شده باشد، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. علاوه بر بررسی نحوه نگارش پایان‌نامه، از لحاظ سرقت ادبی (Plagiarism) نیز دقیقاً بررسی می‌گردد.^۶

در بقیه‌ی موارد موضوع سرقت علمی-ادبی در آیین‌نامه‌های اخلاق انتشاراتی در مجلات دانشگاه، نشست‌ها، سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزش صداقت علمی و پیشگیری از سرقت علمی-ادبی و یا نگارش مقالات علمی یا در اخبار دانشگاه یافت شد. برای نمونه، در بند ۹ ماده‌ی ۶ قانون مطبوعات در قسمت اهم حقوق و حدود نشریات دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، در تبصره‌ی زیر به اختصار از سرقت ادبی سخن رفته است:

۹- سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ آن‌ها محسوب شود.

تبصره ۱: سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه.^۷

یا اصول اخلاقی انتشار مقاله‌ی فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی/ایران از نویسندگان می‌خواهد که از سرقت علمی اجتناب نمایند:

مقالات حاصل مطالعات، تجربه‌ها و پژوهش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد. در صورت استفاده از پژوهش‌های دیگران باید به آن آثار استناد شود. سرقت علمی به هر شکل ممکن، از قبیل از استفاده از پژوهش دیگری، کپی کردن، یا نوشتن پژوهش یا یافته‌های دیگران با جمله بندی متفاوت و ... عملی غیراخلاقی و غیرقابل پذیرش می‌باشد.^۸

چند سخنرانی و کارگاه نیز با موضوع سرقت علمی-ادبی در دانشگاه‌های مختلف برگزار شده است. برای مثال در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، دکتر مهین ناز میردهقان در گفتاری زیر عنوان سرقت علمی: پیشگیری با آموزش به ایراد سخنرانی پرداخت.^۹ دانشگاه سلمان فارسی کازرون نیز در تاریخ ۹۵/۰۳/۱۲ میزبان کارگاهی یک روزه ویژه‌ی استادان بود که در آن موضوعاتی از قبیل پایگاه‌های دسترسی آزاد، نرم‌افزارهای سرقت علمی-ادبی، ساماندهی استنادهای درون متنی و برون متنی معرفی و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها آموزش داده شد.^{۱۰}

موضوع صداقت علمی و سرقت علمی-ادبی در اخبار دانشگاه‌ها نیز دیده شد. در خبرهای دانشگاه تهران سخنرانی رئیس این دانشگاه در آیین اختتامیه‌ی بیست و پنجمین جشنواره‌ی پژوهش و فناوری دانشگاه تهران به تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۲ بازتاب یافته است: «این [سرقت علمی-ادبی] یک بحران ملی است و باید در سطح ملی به آن پرداخت...». رئیس این دانشگاه با اشاره به نبود قانونی مدون برای برخورد با سرقت علمی-ادبی و هرگونه تخلف پژوهشی از اقدام دانشگاه تهران برای تدوین سازوکاری در چارچوب قوانین موجود سخن گفته است:

مدتی پیش شاهد بی‌اخلاقی چند دانشجو و فروش مقاله و پایان‌نامه بودیم که موجب شد تا موضوع سرقت علمی به‌عنوان مسئله‌ی ملی و روز کشور مطرح شود. این اخبار موجب شد تا برخی زیربنا انتشار مقاله را زیر سؤال ببرند و برخی دیگر با نگاهی آسیب‌شناسانه این مشکل را بررسی کنند... در دانشگاه تهران در چارچوب قانون‌های موجود، ساز و کارهای مدونی را به وجود آورده‌ایم که براساس آن با هرگونه قانون‌شکنی در این خصوص برخورد خواهد شد.^{۱۱}

بررسی سیاست‌های سرقت علمی-ادبی در تارنماهای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران ۶۷

سرپرست دانشگاه پیام نور استان اردبیل نیز در مراسم هفته‌ی پژوهش در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۹ رعایت استانداردهای پژوهشی را در تولید محتوای علمی ضروری دانست و از سرقت علمی-ادبی به‌عنوان آفت اصلی پژوهش نام برد^{۱۲}.

در پایان جستجوی چند تارنما تعدادی مقاله در مجلات و همایش‌های مختلف با موضوع سرقت علمی-ادبی و یا معرفی نرم‌افزارهای سرقت علمی-ادبی یافت شد، برای مثال مقاله‌ی "تشخیص سرقت علمی اسناد فارسی با رویکرد مبتنی بر گراف" نوشته‌ی مژگان ممتاز، مصطفی صالحی و هادی ویسی که در هشتمین کنفرانس بین‌المللی فناوری اطلاعات و دانش که در ۱۷-۱۸ شهریور ۱۳۹۵ در دانشگاه بوعلی سینا همدان ارائه شد.

در تارنمای معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان جدولی قرار دارد که حاوی اطلاعاتی در مورد برخی از نرم‌افزارهای سرقت علمی از قبیل نام نرم افزار، قیمت آن، نحوه دسترسی،... است. معاون پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان نیز چندین پایگاه شناسایی سرقت علمی فارسی و انگلیسی را معرفی کرده است^{۱۳}.

در پیوند با پرسش پژوهش حاضر درباره‌ی تعریف سرقت علمی-ادبی، همان‌طور که مشاهده شد تنها در تارنمای یک دانشگاه (دانشگاه تبریز) تعریفی از این مفهوم ارائه شده است. در موردی دیگر (تارنمای دانشگاه صنعتی اصفهان) نیز سیاست تنبیهی مواجهه با سرقت علمی-ادبی بیان شده است. با وجود این در هیچ‌یک از تارنماهای بررسی شده سیاستی منسجم در مورد صداقت علمی و سرقت علمی-ادبی دیده نشد، سیاستی که سرقت علمی-ادبی را به دانشجویان و پژوهشگران تفهیم کند، رفتارهای مطلوب پژوهشی را ترویج دهد، راهکارهای پیشگیری از سرقت علمی-ادبی را ارائه دهد و عواقب سوء ارتکاب این رفتار را بیان نماید. در بیشتر موارد نتیجه‌ی جستجو، عبارت کلید واژه «یافت نشد» بود. در مقابل، جستجوی واژه‌ی plagiarism در تارنمای دانشگاه اسنفورد ۸۵۱ نتیجه دربر داشت (تصویر شماره‌ی ۱). ارائه‌ی سیاست‌های روشن و دقیق درباره‌ی مسئله‌ی سرقت علمی-ادبی در تارنماها یکی از راهکارهای نظام دانشگاهی جوامع توسعه‌یافته برای آگاهی‌بخشی به استادان و دانشجویان و پیش نهادن شیوه‌های پیشگیری از آن است.



تصویر ۱. نتیجه‌ی جستجوی واژه‌ی *plagiarism* در تارنمای دانشگاه استنفورد در تاریخ ۷ دی ۱۳۹۵، نشانی اینترنتی: <http://www.stanford.edu/search/?q=plagiarism>

بحث و نتیجه‌گیری

در اولین روز نوامبر ۲۰۱۶ ناشر معتبر اسپرینگر نیچر^۱ از تصمیم اسپرینگر^۲ و بایومد سنترال^۳ برای از درجه‌ی اعتبار ساقط کردن ۵۸ مقاله‌ی پژوهشگران ایرانی در هفت مجله‌ی تحت مدیریت خود خبر داد. یکی از مهم‌ترین دلایل این تصمیم اتهام سرقت علمی-ادبی بوده است. اما این پایان ماجرا نیست! زیرا هر دو ناشر در حال انجام تحقیقات بیشتری برای شناسایی مقالات احتمالی دیگری هستند. البته پدیده‌هایی از این دست مختص ایران نیست و در دیگر نقاط جهان نیز می‌توان نمونه‌هایی از آن را مشاهده نمود. برای پیشگیری از بروز این پدیده باید تا حد ممکن و به مدد روش‌های علمی، علل و عوامل مولّد را شناخت و اطلاعات لازم را در اختیار مسئولان و برنامه‌ریزان قرار داد تا با توجه به پیامدهای منفی و مخرب آن برای پیشگیری از بروز و گسترش راهکارهای مناسب را ارائه دهند (بی بی عشرت و همکاران، ۱۳۹۲). این نویسندگان (ص. ۹۳) همچنین یکی از عوامل زمینه‌ساز سرقت علمی-ادبی را شفاف نبودن سیاست و خط‌مشی و نیز نبود مطالبی درباره‌ی آن و قوانین مربوط به آن در آیین‌نامه‌های دانشگاهی می‌دانند و به درستی اذعان می‌کنند که در بیشتر کشورهای پیشرفته قوانین و راهکارهای گوناگونی برای مبارزه با این آفت علمی پیش‌بینی شده است و دانشگاه‌ها خط‌مشی‌های روشنی در این زمینه اتخاذ کرده‌اند؛ این در حالی است که در ایران به‌رغم برداشته شدن گام‌هایی کوچک^{۱۴}، برای تعیین خط‌مشی

1. Springer Nature
3. BioMed Central

2. Springer

های روشن و دقیق اقدامی صورت نگرفته است. بر همین اساس یکی از روش‌های کاهش سرقت علمی-ادبی در مراکز دانشگاهی تصویب سیاست‌های علمی و ارائه راهکارهای مناسب برای پیشگیری از سرقت ادبی است. در این میان اطلاع‌رسانی به استادان و دانشجویان در خصوص این سیاست‌ها و سازکارهای اجرایی شدن آن‌ها از اهمیت چشمگیری برخوردار است. تارنماهای دانشگاه نیز، به‌عنوان ویتترین هر دانشگاه، امکان و فضایی بسیار مطلوب برای آگاهی‌رسانی در این زمینه است.

البته باید در نظر داشت که هر مؤسسه یا مرکز علمی ممکن است تعریف خاص خود یا حتی چند تعریف از سرقت علمی-ادبی و مصداق و پیامدهای آن ارائه دهد که این خود ممکن است باعث سردرگمی دانشجویان شود (پرایس، ۲۰۰۹). هم‌چنین باید از تفاوت‌های بالقوه‌ی رشته‌ای به لحاظ شیوه‌های اقتباس متنی آگاه باشیم. به‌عنوان مثال کریشنان و کسپالیا^۱ (۲۰۰۲) پس از بررسی راهکارهای دانشجویان مهندسی یکی از دانشگاه‌های سنگاپور در نوشتن پیشینه‌ی پژوهش گزارش پروژه سال آخر خود دریافتند که یکی از راهبردهای اصلی دانشجویان نوشتن وصله‌ای بود. رفتاری که مصداق سرقت علمی-ادبی تلقی نمی‌شود، زیرا یکی از ویژگی‌های ذاتی ژانر مقالات علمی در رشته‌های علوم فنی و مهندسی استفاده از الگوهای جمله‌ای ثابت است. بنابراین دانشگاه‌ها می‌توانند سیاستی کلی در مورد سرقت علمی-ادبی اتخاذ کنند ولی دانشکده‌ها یا مراکز علمی تابع آن‌ها، سیاستی جزئی‌تر و شاید سختگیرانه‌تر (یا آسان‌تر) را در پیش گیرند. دانشگاه‌ها هم‌چنین نیازمند برگرفتن رویکردی جامع‌اند که صداقت علمی را مسئولیت مشترک دانشجویان، استادان و مراکز علمی و آموزشی می‌انگارد و از حمایت سازمان‌های کنترل کیفیت نیز برخوردار است (مک دونالد و کارول^۲، ۲۰۰۶، ص. ۲۳۳). پاسخ به این پرسش که آیا دانشجویان سیاست‌های سرقت علمی-ادبی دانشگاه‌ها را مطالعه می‌کنند و یا این کار موجب کاهش سرقت علمی-ادبی می‌شود نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. گولیفیر و تایسون (۲۰۱۳) درک (فهم) دانشجویان را از سیاست صداقت علمی دانشگاهی در استرالیا از طریق نظرسنجی بررسی کرد. در مجموع ۳۴۰۵ دانشجو در این نظرسنجی شرکت کردند. داده‌ها براساس سال ورودی دانشجویان، دانشکده و شیوه‌ی تحصیل آن‌ها، اعم از حضوری و آموزش از راه دور بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که تنها نیمی از شرکت‌کنندگان سیاست سرقت علمی-ادبی دانشگاه را مطالعه کرده‌اند. سردرگمی درباره‌ی سرقت علمی-ادبی، دیگر نتیجه‌ی این پژوهش بود. تأکید اصلی گولیفیر و تایسون نظام‌مند بودن رویکرد آموزشی به مقوله‌ی صداقت علمی است.

1. Krishnan & Kathpalia

2. Macdonald & Carroll

البته باید به یاد داشته باشیم که سرقتِ علمی-ادبی همیشه به یک شکل و مفهوم نیست. از دیدِ پرایس (۲۰۰۲، ص. ۹۰) شکل و مفهوم سرقتِ علمی-ادبی «پایدار نیست» و «در دوره‌های زمانی و تاریخی، فرهنگ‌ها، محیط‌های کاری، و حتی رشته‌های دانشگاهی تغییر می‌کند». با این حال، سیاست سازمان‌ها از جمله دانشگاه‌ها گویای این واقعیت نیست. پرایس بر این باور است که وقتی سرقتِ علمی-ادبی از طریق سیاست‌های سازمانی و آموزشی، بدون توجه به پیچیده‌گی‌های آن، به‌عنوان «چیزی ثابت و مطلق» (پرایس، ۲۰۰۲، ص. ۸۹). ارائه شود موجب سردرگمی دانشجویان و دانش‌پژوهان تازه‌کار می‌شود زیرا آن‌ها نمی‌دانند که آیا باید متناسب با سطح توانایی خود بنویسند که در آن صورت، کیفیت لازم را نخواهد داشت یا این که از طریق سرقتِ علمی-ادبی نگارش خود را به سطح مطلوب نزدیک‌تر کنند. پیشنهاد پرایس برگرفتنِ رویکردی تعاملی نسبت به سیاست‌های سرقتِ علمی-ادبی است که دانشجویان از طریق آن در مورد آنچه که در یک رشته‌ی تحصیلی و زمینه‌ی خاص، پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی است (سرقتِ علمی-ادبی محسوب می‌شود)، با استادان گفتگو می‌کنند. بنابراین بسیار مهم است که دانشجویان و استادان تعاریف یکسان و مشابهی از سرقتِ علمی-ادبی داشته باشند.

کوتاه سخن این که بخشی از مسئولیتِ پیشگیری از سرقتِ علمی-ادبی دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی بر عهده‌ی مسئولانِ دانشگاه‌ها است. سیاست دانشگاه‌ها در این زمینه باید روشن باشد و در اختیار دانشجویان و اعضای هیئت علمی باشد و نسخه‌ای از آن نیز بر تارنمای دانشگاه‌ها قرار گیرد. استادانِ دانشگاه باید به‌طور مداوم درباره‌ی ارزش صداقت علمی و پرهیز از سرقتِ علمی-ادبی گفتگو کنند تا از همسانی و شباهتِ تعاریف و برداشت از آن‌ها اطمینان یابند.

سرقتِ علمی-ادبی از جمله تخلفات رایج در حوزه‌ی نگارش است که می‌توان آن را از مصادیق تقلب یا فریبکاری در پژوهش به شمار آورد. مصادیق این مبحث گسترده، شامل طیف وسیعی از تخلفاتِ پژوهشی است. آماج پژوهش حاضر تأکید بر ضرورت و اهمیتِ پرداختن به موضوع مهم سرقتِ علمی-ادبی در تارنماهای مراکز آموزش عالی ایران و ارائه‌ی راهکارهایی برای پیشگیری و برون رفت از آن است. همزمان با پیشرفتِ چشمگیر فناوری، مؤسسه‌های آموزش عالی به تارنماهای معتبر، مؤثر، جذاب و فعال در فضای مجازی نیاز دارند. چرا که در دنیای امروز بهره‌گیری از امکانات و ابزار فناوری به بخش مهمی از فرایند آموزش تبدیل شده است. امید است که نتایج این مطالعه دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها، مؤسسه‌های پژوهشی و به‌ویژه دانشجویان و استادان را به کار آید و بر آگاهی آنان نسبت به مسئله‌ی سرقتِ علمی-ادبی بیفزاید.

منابع

- Abasi, A. R., & Graves, B. (2008). Academic literacy and plagiarism: Conversations with international graduate students and disciplinary professors. *Journal of English for Academic Purposes*, 7, 221-233.
- Arnold, R., Martin, B. N., & Bigby, L. (2007). Is there a relationship between honor codes and academic dishonesty? *Journal of College and Character*, 8(2), 1-20.
- Ary, D. (2014). *Introduction to research in education* (9th ed.). Belmont Calif.: Wadsworth Cengage Learning.
- Barks, D., & Watts, P. (2001). Textual borrowing strategies for graduate-level ESL writers. In D. Belcher & A. Hirvela (Eds.), *Linking literacies: Perspectives on L2 reading-writing connections* (pp. 246–267). Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Beasley, J. D. (2004). *The impact of technology on plagiarism prevention and detection: Research process automation, a new approach for prevention* [Electronic version]. Paper presented at the Plagiarism: Prevention, Practice, and Policies 2004 Conference, Atlanta, GA. 1–11.
- Belter, R.W. and duPre, A. (2009) A strategy to reduce plagiarism in an undergraduate course. *Teaching of Psychology*, 36, 257-261.
- Bennett, R. (2005). Factors associated with student plagiarism in a post-1992 university. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 30(2), 137-162.
- Brown, V. J., & Howell, M. E. (2001). The efficacy of policy statements on plagiarism: Do they change students' views? *Research in Higher Education*, 42(1), 103–118.
- Carroll, J. (2002). *A Handbook for deterring plagiarism in higher education*. Oxford: Oxford Centre for Staff and Learning Development.
- Carroll, J., & Appleton, J. (2001). *Plagiarism: A good practice guide*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Carroll, J., Zetterling, C. (2009). Guiding students away from plagiarism. KTH Learning Lab. Retrieved on January 12, 2017 from <http://people.kth.se/~ambe/KTH/Guidingstudents.pdf>.
- Childers, D., & Bruton, S. (2016). Should it be considered plagiarism? Student perceptions of complex citation issues. *Journal of Academic Ethics*, 14(1), 1-17. doi:10.1007/s10805-015-9250-6
- Coffey, A. (2014). Analyzing documents. In U. Flick (Ed.), *The Sage handbook of qualitative data analysis* (pp. 367–379). Thousand Oaks: Sage.
- Comas-Forgas, R., & Sureda-Negre, J. (2010). Academic plagiarism: Explanatory factors from students' perspective. *Journal of Academic Ethics*, 8(3), 217-232.
- Council of Writing Program Administrators (WPA). (2003). Defining and avoiding plagiarism: The WPA statement on best practices. Retrieved on January 2, 2017 from <http://wpacouncil.org/files/wpa-plagiarism-statement.pdf>.
- Crown, D. F., & Spiller, M. S. (1998). Learning from the literature on collegiate cheating: A review of empirical research. *Journal of Business Ethics*, 17, 683-700.

- Davis, M., & Carroll, J. (2009). Formative feedback within plagiarism education: Is there a role for text-matching software?. *International Journal for Educational Integrity*, 5(2).
- Deckert, G. D. (1993). Perspectives on plagiarism from ESL students in Hong Kong. *Journal of Second Language Writing*, 2(2), 131-148.
- Fish, R., & Hura, G. (2013). Students' perceptions of plagiarism. *Journal of the Scholarship of Teaching and Learning* 13(5), 33-45.
- Flowerdew, J., & Li, Y. (2007). Plagiarism and second language writing in an electronic age. *Annual Review of Applied Linguistics*, 27, 161-183
- Freyer, J., Kumar, G. S., O'Neil, D. E., Samuels, E. B., Stone, C. E., Weinberg, Z. A., & Zauzmer, J. M. (2013). Class of 2013 senior survey. *The Harvard Crimson*. Retrieved on November 29, 2016 from <http://www.thecrimson.com/flashgraphic/2013/5/28/senior-survey-2013-graphic/>.
- Gu, Q., & Brooks, J. (2008). Beyond the accusation of plagiarism. *System*, 36(3), 337-352.
- Gullifer, J. M., & Tyson, G. A. (2013). Who has read the policy on plagiarism? Unpacking students' understanding of plagiarism. *Studies in Higher Education*, 39(7), 1202-1218.
- Gunnarsson, J., Kulesza, W. J., & Pettersson, A. (2014). Teaching international students how to avoid plagiarism: librarians and faculty in collaboration. *The Journal of Academic Librarianship*, 40(3), 413-417.
- Haghighi, F., & Farajolahi, M. (2015). E-cheating and plagiarism as the challenging hidden face of the evaluation system of open and distance education universities and ways to prevent them: *The case of PNU. Journal of Instruction and Evaluation*, 7(28), 39-49.
- Hayes, N., & Introna, L. (2005). Systems for the production of plagiarists? The implications arising from the use of plagiarism detection systems in UK universities for Asian learners. *Journal of Academic Ethics*, 3(1), 55-73.
- Hinchliffe, L. (1998). Cut and-paste plagiarism: Preventing, detecting and tracking online plagiarism. Retrieved on October 24, 2016 from <http://alexia.lis.uiuc.edu/134~janicke/plagiary.htm>.
- Hu, G. (2015). Research on plagiarism in second language writing: Where to from here? *Journal of Second Language Writing*, 30, 100-102.
- Hu, G., & Lei, J. (2015). Chinese university students' perceptions of plagiarism. *Ethics & Behavior*, 25, 197-219.
- Hughes, J. M., & McCabe, D. L. (2006). Academic misconduct within higher education in Canada. *Canadian Journal of Higher Education*: 36(2), 1-21.
- Hyland, F. (2001). Dealing with plagiarism when giving feedback. *ELT Journal*, 55(4), 375-381.
- Introna, L. D., & Hayes, N. (2011). On sociomaterial imbrications: What plagiarism detection systems reveal and why it matters. *Information and Organization*, 21(2), 107-122.
- Jackson, P. A. (2006). Plagiarism instruction online: Assessing undergraduate students' ability to avoid plagiarism. *College & Research Libraries*, 67(5), 418-428.

- Jones, D. L. R. (2011). Academic dishonesty: are more students cheating? *Business Communication Quarterly*, 74(2), 141-150.
- Kolich, A. M. (1983). Plagiarism: The worm of reason. *College English*, 45(2), 141-148.
- Krippendorff, K. (1989). Content analysis. *International Encyclopedia of Communication*, 403-407. Retrieved on January 8, 2017 from http://repository.upenn.edu/asc_papers/226.
- Krishnan, L. A., & Kathpalia, S. S. (2002). Literature reviews in student project reports. *IEEE Transactions of Professional Communication*, 45(3), 187-197.
- LoCastro, V., & Masuko, M. (2002). Plagiarism and academic writing of learners of English. *Hermes Journal of Linguistics*, 28, 11-33.
- Ma, H., Wan, G., & Lu, E. Y. (2008). Digital cheating and plagiarism in schools. *Theory into Practice*, 47(3), 197-203.
- Macdonald, R., & Carroll, J. (2006). Plagiarism—a complex issue requiring a holistic institutional approach. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, (31)2, 233-245.
- Marsh, B. (2007). *Plagiarism: Alchemy and remedy in higher education*. Albany: State University of New York Press.
- Marshall, S., & Garry, M. (2005, December). *NESB and ESB students' attitudes and perceptions of plagiarism*. Paper presented at the Second Asia-Pacific Educational Integrity Conference, Newcastle, Australia.
- Martin, D. E. (2011). Culture and unethical conduct: Understanding the impact of individualism and collectivism on actual plagiarism. *Management Learning*, 43(3), 261-273.
- McCabe, D. L. (2005). Cheating among college and university students: A north american perspective. *International Journal for Educational Integrity*, 1(1), 1-11.
- McCabe, D. L., & Trevino, L. K. (1993). Academic dishonesty: Honor codes and other contextual influences. *Journal of Higher Education*, 64, 522-538.
- McCabe, D. L., & Trevino, L. K. (1997). Individual and contextual influences on academic dishonesty: A multicampus investigation. *Research in Higher Education*, 38(3), 379-396.
- McCabe, D. L., Butterfield, K. D., & Treviño, L. K. (2012). *Cheating in college: Why students do it and what educators can do about it*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- McCabe, D. L., Treviño, L. K., & Butterfield, K. D. (2001). Cheating in academic institutions: A decade of research. *Ethics & Behavior*, 11(3), 219-232.
- McCabe, D. L., Treviño, L. K., & Butterfield, K. D. (2002). Honor codes and other contextual influences on academic integrity: a replication and extension to modified honor code settings. *Research in Higher Education*, 43(3), 357-378.
- McCabe, D. P., Smith, A. D., & Parks, C. M. (2007). Inadvertent plagiarism in young and older adults: The role of working memory capacity in reducing memory errors. *Memory & Cognition*, 35(2), 231-241.
- McCabe, D., L., Fenghali, T., & Abdallah, H. (2008). Academic dishonesty in the Middle East: Individual and contextual factors. *Research in Higher Education*, 5, 451-467.

- McGrail, E., & McGrail, J. P. (2015). Exploring web-based university policy statements on plagiarism by research-intensive higher education institutions. *Journal of Academic Research*, 34, 167-196.
- Motallebifard, A., Abdollahi, B., & Mohebbat, H. (2014). Towards an ethical and professional framework for research supervision process. *Biennial Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 6(12), 93-113.
- Olt, M. R. (2007). A new design on plagiarism: Developing an instructional design model to deter plagiarism in online courses. Dissertation Abstracts International, 68 (09). (UMI NO. 32776510). Retrieved on December 9, 2016 from http://jolt.merlot.org/vol5no2/Olt_dissertation.pdf
- Park, C. (2003). In other (people's) words: plagiarism by university students—literature and lessons. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 28(5), 471-488.
- Park, C. (2004). Rebels without a clause: Towards an institutional framework for dealing with plagiarism by students. *Journal of Further and Higher Education*, 28(3), 291-306.
- Pecorari, D. (2001). Plagiarism and international students: How the English-speaking university responds. In D. Belcher and A. Hirvela (eds.) *Linking illiteracies: Perspectives on L2 Reading-Writing Connections* (pp. 229-245). Ann Arbor: The university of Michigan Press.
- Pecorari, D. (2002). *Original reproductions: An investigation of the source use of postgraduate and second language writers* (Unpublished doctoral dissertation). University of Birmingham.
- Pecorari, D., & Petrić, B. (2014). Plagiarism in second-language writing. *Language Teaching*, 47(3), 269-302.
- Powers, L. G. (2009). University students' perceptions of plagiarism. *The Journal of Higher Education*, 80(6), 643-662.
- Price, J. (2009). *Plagiarism in higher education: Consensus and consistency when punishing student cases* (Unpublished PhD thesis). University of Southampton.
- Price, M. (2002). Beyond "Gotcha!": Situating plagiarism in policy and pedagogy. *College Composition and Communication*, 54(1), 88-115.
- Reshadatjoo, H., & Mohajeri, E. (2014). Academic honesty and academic achievement among the students of Science and Research branch of Islamic Azad University of Tehran, Iran. *Biennial Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 6(12), 114-127.
- Rezanejad, A., & Rezaei, S. (2013). Academic dishonesty at universities: The case of plagiarism among Iranian language students. *Journal of academic ethics*, 11(4), 275-295.
- Shashok, K. (2011). Authors, editors, and the signs, symptoms and causes of plagiarism. *Saudi Journal of Anaesthesia*, 5(3), 303-307.
- Sherman, J. (1992). Your own thoughts in your own words. *ELT Journal*, 46(2), 190-198.
- Shi, L. (2006). Cultural backgrounds and textual appropriation. *Language Awareness*, 15(4), 264-282.
- Sowden, C. (2005). Plagiarism and the culture of multilingual students in higher education abroad. *ELT Journal*, 59(3), 226-233.

- Sutherland-Smith, W. (2005). Pandora's box: Academic perceptions of student plagiarism in writing. *Journal of English for Academic Purposes*, 4(1), 83-95.
- Sutherland-Smith, W. (2008). *Plagiarism, the Internet and student writing: Improving academic integrity*. London: Routledge.
- Tindell, D. R., & Bohlader, R. W. (2012). The use and abuse of cell phones and text messaging in the classroom: a survey of college students. *College Teaching*, 60(1), 1-9.
- Wager, E. (2014). Defining and responding to plagiarism. *Learned Publishing*, 27(1), 33-42.
- Waithaka, A. G., & Gitimu, P. (2012). Academic dishonesty-team effort against it: a review of literature. *Journal of Academic & Business Ethics*, 6, 1-17.
- Yamada, K. (2003). What prevents ESL/EFL writers from avoiding plagiarism? Analyses of 10 North-American college websites. *System*, 31(2), 247-258.
- Zamani, B. E., Azimi, S. A., & Soleymani N. (2013). Identifying and prioritizing the effective factors affecting the students' plagiarism in Isfahan University. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 19(1), 91-110.

1.

<https://www.msrt.ir/fa/grid/45/%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D9%85%D8%B1%D8%A7%DA%A9%D8%B2-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C>

۲. بازبایی ۱۶ دی ۱۳۹۵ از

http://researchaffairs.tabrizu.ac.ir/Files/Content/2012-07-07_11.30.51_%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B2%DB%8C%D9%86%20%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82%20%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%D8%B4.pdf

۳. بازبایی ۱۰ دی ۱۳۹۵ از

<http://sci.ui.ac.ir/Dorsapax/userfiles/Sub7/sheveh94.pdf>

۴. بازبایی ۱۶ دی ۱۳۹۵ از

[https://chem.iut.ac.ir/sites/chem.iut.ac.ir/files/files/%D9%81%D8%B1%D9%85%20%D8%AA%D8%B9%D9%87%D8%AF%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%20%D9%88%20%D8%AA%D8%B9%D9%8A%D9%8A%D9%86%20%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF%20%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%86%D9%85%D8%A7%20%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%D8%AC%D9%88%D9%8A%D8%A7%D9%86%20%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1%D9%8A\(1\).pdf](https://chem.iut.ac.ir/sites/chem.iut.ac.ir/files/files/%D9%81%D8%B1%D9%85%20%D8%AA%D8%B9%D9%87%D8%AF%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%20%D9%88%20%D8%AA%D8%B9%D9%8A%D9%8A%D9%86%20%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF%20%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%86%D9%85%D8%A7%20%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%D8%AC%D9%88%D9%8A%D8%A7%D9%86%20%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1%D9%8A(1).pdf)

۵. بازبایی ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ از

<http://www.iust.ac.ir/find.php?item=40.12028.24762.fa>

۶. بازبایی ۱۱ دی ۱۳۹۵ از

<http://www.put.ac.ir/HomePage.aspx?TabID=6243&Site=PUT&Lang=en-US>

۷. بازبایی ۸ دی ۱۳۹۵ از

<http://www.iust.ac.ir/find.php?item=37.6865.8509.fa&sw=%D8%B3%D8%B1%D9%82%D8%AA+%D8%A7%D8%AF%D8%A8%DB%8C>

۸. بازیابی ۱۸ دی ۱۳۹۵ از

<https://ijsp.ut.ac.ir/journal/process?ethics>

۹. بازیابی ۱۶ بهمن ۱۳۹۵ از

https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=6&cad=rja&uact=8&ved=0ahUKEwjtr-2KkaDRAhWGnRoKHd14BpwQFghAMAU&url=http%3A%2F%2Fwww.sbu.ac.ir%2FDocLib2%2F%25D8%25B3%25D8%25B1%25D9%2582%25D8%25AA%2520%25D8%25B9%25D9%2584%25D9%2585%25DB%258C%2520%25D9%25BE%25DB%258C%25D8%25B4%25DA%25AF%25DB%258C%25D8%25B1%25DB%258C%2520%25D8%25A8%25D8%25A7%2520%25D8%25A2%25D9%2585%25D9%2588%25D8%25B2%25D8%25B4.ppt&usg=AFQjCNH_WGhT_kT8EavFKrvO7T1JRVLWJQ&sig2=Sr2nYqQRR LZOGfRh9S Segxg

۱۰. بازیابی ۶ دی ۱۳۹۵ از

<http://www.kazerunfu.ac.ir/tabid/106/ArticleType/ArticleView/ArticleID/262/Default.aspx>

۱۱. بازیابی ۲ بهمن ۱۳۹۵ از

<http://ut.ac.ir/fa/news/3695/%D8%B1%DB%8C%DB%8C%D8%B3-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7-%D9%87%D8%B1%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D8%AA%D8%AE%D9%84%D9%81-%D8%B9%D9%84%D9%85%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AD%D9%88%D8%B2%D9%87-%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%D8%B4-%D8%A8%D8%B1%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D9%85%DB%8C-%DA%A9%D9%86%DB%8C%D9%85>

۱۲. بازیابی ۲۲ بهمن ۱۳۹۵ از

<http://tonekabon.mazandaran.pnu.ac.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&CategoryID=83588c18-f90b-4040-8497-ea98a61423d4&WebPartID=b42717e2-95a7-41df-8784-b11277461a6c&ID=53d729f6-7bbc-4d6c-88fa-93ce570d9bfb>

۱۳. بازیابی ۱۴ دی ۱۳۹۵ از

http://www.ui.ac.ir/ShowPage.aspx?page_=form&order=show&lang=1&sub=17&PageId=12416&codeV=1&tempname=Research

۱۴. لایحه «پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۳۱ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. متن ماده واحده این لایحه «تهیه، عرضه و یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب و ضبط شده پژوهشی، علمی و یا هنری؛ اعم از الکترونیک و غیرالکترونیک به دست هر شخص حقیقی یا حقوقی برای انتفاع و به‌عنوان حرفه یا شغل یا هدف ارائه کل و یا بخشی از یک اثر به دست دیگری به‌عنوان اثر خود، جرم محسوب شده و مرتکب یا مرتکبان علاوه بر واریز وجوه دریافتی به خزانه دولت، مجازات می‌شوند.